



دانشگاه مازندران

پایان نامه :

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در (شته الهیات: علوم قرآن و مدبث

موضوع:

**تربیت دینی جوان در کتب مقدس
«قرآن و عهدها»**

استاد راهنمای:

سرکارخانم دکتر زینب السادات حسینی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سیدعلی اکبر ریبع نتاج

نام دانشجو:

فاطمه فیروزپور بندپی

بهمن ۱۳۸۶

سپاس گذاری

با سپاس از فداوند منان که توفيق تمصيل و فراگيری علم را به من عنایت فرمودند و نیز تشکر و سپاسگذاری از والدين عزيز و مهربان و استادان دلسوز و فداکار به ویژه سرکار فانم دکتر زینب السادات مسینی و استاد دکتر سید علی اکبر ربیع نتاج به عنوان استادان راهنمای و مشاور در تدوین پایان نامه دوره کارشناسی ارشد و همچنین قدردانی از خدمات بی دریغ استاد گرامی ام دکتر عباس اشرفی که به نوعی مشاور بنده در این تحقیق بوده اند و در پایان از همسر و دفتره بهار به فاطر مهربانی و صبرشان تشکر می کنم.

تقدیم به:

تمامی رهروان طریقت علم و دانش

چکیده

جوانان یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین اقشار جامعه می باشند لذا توجه به امر تربیت دینی آنها بسیار حیاتی و ضروری می باشد، این پایان نامه با عنوان تربیت دینی جوانان در کتب مقدس و با محوریت قرآن، عهد قدیم و عهد جدید تلاش می نماید تا با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و کنکاش در آموزه های دینی بپردازد تا بتواند راه کارها و روش های تربیت دینی جوان را از آن استخراج نماید. لذا پس از معنا شناسی و بیان واژه های دین، تربیت، تربیت دینی، ضرورت تربیت دینی، زمان تربیت دینی و مفهوم جوان و جوانی و نظام تربیتی می پردازد و سپس روش های تربیت دینی از طریق مراجعه به تفاسیر قرآن و متون دینی و نیز شرح عهد قدیم و عهد جدید استخراج گردیده و در پایان در قالب نتیجه گیری تربیت دینی در قرآن و عهدهای مقایسه شده و پیشنهادات و راه کارهایی نیز ارائه گردیده است.

کلید واژگان: تربیت دینی، جوان، قرآن، عهد قدیم، عهد جدید.

فهرست مطالب

| صفحة | عنوان |
|----------------------------------|---|
| فصل اول: کلیات | |
| ۲ | مقدمه |
| ۳ | ۱- بیان مسئله |
| ۴ | ۲- سوالات تحقیق |
| ۴ | ۳- پیشینه تحقیق |
| ۴ | ۴- حدود پژوهش |
| ۴ | ۵- فرضیات پژوهش |
| ۶ | ۶- اهداف پژوهش |
| فصل دوم: مبانی نظری تحقیق | |
| ۷ | ۱- مفهوم شناسی |
| ۷ | ۱-۱- دین |
| ۷ | ۱-۲- تربیت |
| ۸ | ۱-۳- تربیت دینی |
| ۹ | ۱-۳-۱- ضرورت تربیت دینی |
| ۱۰ | ۱-۳-۲- زمان تربیت دینی |
| ۱۱ | ۱-۴- جوان و جوانی |
| ۱۱ | ۱-۴-۱- فتی |
| ۱۱ | ۱-۴-۲- شباب |
| ۱۱ | ۱-۴-۳- اشد |
| ۱۲ | ۱-۴-۴- الحدث |
| ۱۲ | ۲- ارزش و اهمیت جوان |
| ۱۳ | ۴- اهمیت دوران جوانی |
| ۱۳ | ۴- ویژگی های مهم دوران جوانی |
| ۱۴ | ۴-۱- فطرت مستعد و تربیت پذیری |
| ۱۴ | ۴-۲- تمایل به عبادت و معنویات |
| ۱۴ | ۴-۳- تمایل و گرایش به آزادی و استقلال |
| ۱۵ | ۴-۴- داشتن قدرت و نیروی جسمانی و عقلانی |
| ۱۵ | ۴-۵- علاقه به زیبایی و زیبایی جویی |
| فصل سوم: نظام تربیتی | |
| ۱۷ | مقدمه |
| ۱۷ | ۱- مبانی تربیت دینی |

| | |
|---------|--|
| ۱۸..... | ۲- اصول تربیت دینی |
| ۱۸..... | الف) اصول ایجادی |
| ۱۸..... | ۱- هماندیشی و همراهی |
| ۱۹..... | ۲- خیرخواهی |
| ۱۹..... | ۳- مثبتنگری |
| ۱۹..... | ۴- تربیت بر مدار مهر و محبت |
| ۱۹..... | ۵- مشارکت دادن و اعطای مسئولیت |
| ۲۰..... | ب) اصول اصلاحی |
| ۲۰..... | ۳- اهداف تربیت دینی |
| ۲۱..... | ۴- روش‌های تربیت دینی جوان |
| ۲۲..... | ۴-۱- موعظه و نصیحت |
| ۲۳..... | ۴-۲- بشارت و انذار |
| ۲۵..... | ۴-۳- بیان داستان و قصه |
| ۲۶..... | ۴-۴- روش مقایسه اعمال |
| ۲۶..... | ۴-۵- استفاده از تشبيه و تمثیل |
| ۲۷..... | ۴-۶- امر به معروف و نهی از منکر |
| ۲۸..... | ۴-۷- روش سوال و استفهام |
| ۲۹..... | ۴-۸- روش معرفی الگو و اسوه و الگو سازی |
| ۳۰..... | ۴-۹- روش تشویق و تنبیه |

فصل چهارم: روش‌های تربیت دینی جوانان در قرآن و عهده‌دين

| | |
|---------|------------------------------|
| ۳۳..... | مقدمه |
| ۳۳..... | ۱- موعظه |
| ۳۳..... | الف) موعظه در قرآن |
| ۳۷..... | ب) موعظه در عهد قدیم |
| ۴۰..... | ج) موعظه در عهد جدید |
| ۴۵..... | ۲- انذار و تبشير |
| ۴۵..... | الف) انذار و تبشير در قرآن |
| ۴۷..... | ب) بشارت و انذار در عهد قدیم |
| ۵۰..... | ج) بشارت و انذار در عهد جدید |
| ۵۴..... | ۳- بیان داستان |
| ۵۴..... | الف) بیان داستان در قرآن |
| ۵۹..... | ب) بیان داستان در عهد قدیم |
| ۶۱..... | ج) بیان داستان در عهد جدید |

| | |
|----|---|
| ۶۳ | ۴- استفاده از تشبیه و تمثیل |
| ۶۳ | الف) استفاده از تشبیه و تمثیل در قرآن |
| ۶۴ | ب) استفاده از تشبیه و تمثیل در عهد قدیم |
| ۶۶ | ج) استفاده از تشبیه و تمثیل در عهد جدید |
| ۶۹ | ۵- روش معرفی الگو و اسوه |
| ۶۹ | الف) روش معرفی الگو و اسوه در قرآن |
| ۷۲ | ب) معرفی الگو و اسوه در عهد قدیم |
| ۷۴ | ج) معرفی الگو و اسوه در عهد جدید |
| ۷۵ | ۶- روش تشویق و تنبیه |
| ۷۵ | الف) روش تشویق و تنبیه در قرآن |
| ۷۷ | ب) تشویق و تنبیه در عهد قدیم |
| ۷۹ | ج) تشویق نمودن در عهد جدید |
| ۷۹ | ۷- روش مقایسه اعمال در قرآن |
| ۸۱ | ۸- امر به معروف و نهی از منکر در قرآن |
| ۸۲ | ۹- روش سوال و استفهام در قرآن |
| | فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات |
| ۸۵ | ۱- بررسی مقایسه ای |
| ۸۷ | ۲- پیشنهادات و راه کارها |
| ۸۸ | منابع و مأخذ |
| ۹۱ | چکیده انگلیسی |

فصل اول:

کلیات

مقدمه

موضوع تربیت دینی جوان در کتب مقدس یکی از مهم‌ترین موضوعاتی می‌باشد که در تربیت مناسب و شایسته‌ی جوانان نقش بسیار زیادی دارد.

از این رو در این تحقیق برآئیم تا به تربیت دینی در سه کتب مقدس قرآن، عهد قدیم و عهد جدید بپردازیم تا کمکی باشد برای تربیت مناسب جوانان و وسیله‌ای برای سعادتمندی دنیوی و اخروی آنها.

از آنجایی که دین الهی برنامه‌ی جامع و بی‌نقصی برای زندگی بشر ارائه میدهد و وسیله‌ی هدایت و سعادتمندشدن انسان‌ها را فراهم می‌نماید از این رو ضروری است که مسئولین و متولیان امر تعلیم و تربیت به دین و تعالیم پرمغز آن توجه ویژه داشته باشند و بتوانند با کاوش و کنکاش در آموزه‌های آن راهها و روش‌های ثمربخش و مفیدی را در تربیت دینی جوانان بیابند و در جهت تربیت دینی جوانان به کار گیرند.

این پایان نامه از چهار فصل تشکیل شده است. فصل اول به کلیات و معناشناسی و بیان واژه‌های دین، تربیت، تربیت دینی، ضرورت تربیت دینی، زمان تربیت دینی و مفهوم جوان و جوانی می‌پردازد؛ فصل دوم به نظام تربیتی اشاره دارد؛ فصل سوم به روش‌های تربیت دینی در قرآن، عهد قدیم و عهد جدید پرداخته است و فصل چهارم به نتیجه گیری می‌پردازد که در آن به مقایسه تربیت دینی در قرآن و عهدين و پیشنهادات و راهکارها پرداخته شده است.

۱- بیان مسئله

جوان در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون تعاریف متفاوتی دارد. در فرهنگ عمید آمده: جوان کسی است که به میانه عمر خود رسیده باشد. (عمید، ۱۳۵۴، ۳۶۳)

جوانان در این دوران ویژگی‌های رفتاری خاص دارند مثل: توان زیاد برای مشارکت در امور ناشی از فراغت خاطر به امور زندگی، برتری نسبی خصلت آرمان‌گرایی در رفتار اجتماعی، خطرپذیری فراوان در انجام تصمیم‌های مختلف، عدم پذیرش انتقاد، استقلال‌طلبی مفرط، بالا بودن وفاداری به عهد و پیمان، شادابی، صداقت، صمیمیت، آزادگی و جوانمردی و تربیت‌پذیری خاص و متمایز آن به نسبت دیگر دوره‌های عمر انسان.

بدون تردید، جوانان از مهمترین سرمایه‌های بشری در هر جامعه هستند، سرمایه‌هایی عظیم که در تاریخ انسان‌ها بیشترین و وسیع‌ترین آثار معنوی و مادی را بر جای گذاشته‌اند. قدرت و نیروی جوان است که می‌تواند بر مشکلات زندگی فائق آید و راههای سخت و ناهموار را به آسانی بپیماید.

انسان با ورود به عرصه جوانی در واقع به محیط مسئولیت‌ها قدم می‌ندهد و به انجام وظایف عمومی مکلف می‌شود. در دنیای امروز جوانان مورد توجه مخصوص قرار گرفته‌اند و در کلیه شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و اخلاقی سهم بزرگی را به دست آورده‌اند.

به نظر می‌رسد مهمترین شأن، شأن تربیتی باشد، از آن حیث که هم شمول آن بیشتر است و هم اهمیت آن.

لذا جوانان باید در بهار زندگی خود علاوه بر کسب علم و دانش مهم ترین مسئله خود را تربیت دینی بدانند تا به ایمان خود عمق بخشنده و به معرفت دینی و مجاهدت برای حفظ طهارت و صفائ دل دست یابند. و نیز از اولیه‌ترین وظایف جوانان، نسبت به خداوند، خانواده و اجتماع عبارتند از: انس با قرآن و پرهیز از هر نوع گناه و پلیدی، شناخت فرهنگ قرآن و شریعت نبوی و حفظ روحیه صبر و استقامت در مواجهه با مشکلات و سپاسگزاری در قبال موفقیت‌ها در عرصه ایمان و معرفت، احترام به خانواده و والدین، احترام به بزرگترها و برادران دینی، تسلط بر خود، عدم غرور، عدم یأس، غلبه بر هواهای نفس، تقویت عقل و تبعیت از آن، تحکیم ایمان دینی، راستگویی، سپاسگزاری به خاطر نعمت‌ها، قناعت، ترک شهوت، صبر، قبول نصیحت، عمل به علم، کسب حلال، اخلاق و سیرت و معاشرت نیکو، خودشناسی و شناخت شرایط و موقعیت‌های زیستی و عاطفی و تلاش در جهت کسب فضایل اخلاقی و اجتناب از وسوسه‌های شیطانی در عرصه اخلاق و معنویت، افزایش میزان قدرت تشخیص خیر و شر، فraigیری آداب تعلیم و تعلم، تقویت قدرت فهم و استنباط در تحلیل و تفسیر، شوق و اشتیاق به کسب دانایی در عرصه تعلیم و تربیت، آشنایی با وظایف و حقوق متقابل دولت و مردم در نظام حاکمیت اسلامی و احساس مسئولیت در قبال سرنوشت اجتماعی مردم و تبعیت از مقام ولایت و همراهی با امت اسلامی در عرصه تدبیر و سیاست.

و نیز شناخت هويت ملي و مذهبی، بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، تلاش در احیای فرهنگ و تمدن، شناخت مشاهیر و الگوپذیری از آنان و تلاش در جهت تقویت دانش به منظور ایجاد فرهنگ و تمدن‌سازی و مواجهه علمی با فرهنگ‌های بیگانه در عرصه آگاهی از بهداشت دوران بلوغ، فraigیری آداب و مراعات رفتار مطلوب اسلامی، تلاش در جهت حفظ حرمت و پاسداری از عفاف و پاکدامنی، احساس مسئولیت در خصوص تشکیل خانواده و تعهد و التزام به آن در عرصه خانواده، گرایش و رغبت به تلاش و سازندگی، احساس مسئولیت در عمران و آبادی کشور، استفاده مناسب از فرصت‌های شغلی، تلاش در جهت ارتقاء سطح دانش شغلی در عرصه تلاش و سازندگی.

با توجه به این وظایف جوان در عرصه‌های مختلف زندگی لازم است تا تربیت او به گونه‌ای باشد تا بتواند به این وظایف عمل نماید، بنابراین، لازم است دیدگاه کتب مقدس یعنی قرآن و عهدهای در این مورد بررسی شود تا موارد وفاق و افتراق آنها در زمینه تربیت دینی و روش‌های تربیت دینی آشکار شده و تأکیدشان بر وجود مختلف بدست آید.

۲- سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

دیدگاه قرآن و عهدهای درباره تربیت دینی جوان چیست؟

سؤال فرعی:

- ۱ اشتراکات قرآن و عهدهای درباره تربیت دینی جوان چیست؟
- ۲ افتراقات قرآن و عهدهای درباره تربیت دینی جوان چیست؟
- ۳ امتیازات قرآن بر عهدهای درباره تربیت دینی جوان چیست؟
- ۴ نوع نگاه تربیتی ویژه قرآن به جوان چگونه می‌باشد؟

۳- پیشینه تحقیق

- ۱ حسینی‌زاده، علی و حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۵، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، چاپ اول.
- ۲ خادمی کوشا، محمدعلی، ۱۳۸۶، جوان در پرتو اهل‌البیت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
- ۳ شرفی، محمدرضا، ۱۳۸۵، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چاپ چهارم.
- ۴ فلسفی، محمدتقی، ۱۳۴۴، جوان از منظر عقل و احساسات، تهران: انتشارات معارف اسلامی.
- ۵ مرتضوی، سید ضیاء، ۱۳۸۸، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.

۴- حدود پژوهش

محدوده پژوهش از نظر دامنه محدود به سه کتاب مقدس یعنی قرآن و عهد قدیم و عهد جدید درباره تربیت دینی جوان می‌باشد.

۵- فرضیات پژوهش

- ۱ هر سه کتاب مقدس جایگاه ویژه‌ای را برای تربیت دینی جوان قائل هستند.
- ۲ قرآن کریم بیشتر از کتابهای مقدس بر تربیت دینی جوان تأکید کرده است.
- ۳ قرآن هم در نوع بیان و هم در تنوع موضوعی بر سایر کتب برتری دارد.

۶- اهداف پژوهش

- تبیین جایگاه جوان و تربیت دینی جوان در سه کتاب مقدس یعنی قرآن و عهدهای و تعیین میزان تفاوت و تشابه دیدگاههای این کتب در خصوص موضوع فوق.
- ایجاد زمینه‌ای برای سیاستگذاری در امر هویت دینی.
- راهی در راستای گفتگوی ادیان و تمدن‌ها برای همزیستی بهتر و مسالمت‌آمیز.

فصل دوم:

مبانی نظری تحقیق

۱-مفهوم شناسی

۱-۱- دین

دین در لغت به معانی متعدد حکم، سیره، جزا، اطاعت، قهر و غلبه و استعلا، انقیاد، کیش، آیین، طریقت آمده است.

مولف لسان العرب معنای لغوی دین را چنین می‌گوید: دین در لغت به معنای جزاء و اطاعت و انقیاد آمده است و اطاعت و پیروی را بدین جهت دین نامیدند که اطاعت برای جزا و پاداش است. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ۴، ۳۴۰)

سید قطب در تعریف اصطلاح دین می‌فرماید: مجموعه‌ای از عقاید که محور آنها را خدا و ماورای طبیعت تشکیل می‌دهد، به اضافه سلسله‌ای از ارزش‌ها و احکام و دستورالعمل‌های متناسب با آن عقاید. (سید بن قطب، ۱۴۱۲، ۲، ۸۴۲)

آیت الله جوادی آملی نیز در کتاب ارزشمند خود، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی در تعریف دین می‌فرماید: دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و درستکاری بشر تعیین شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۹)

در کتاب الشباب هموم الحاضر و تطلعات المستقبل در مورد دین چنین آمده است: "من أهم الغرائز التي أودعها الله عز وجل في الإنسان (الغريزه الدينية) ولذلك لا يمكن الإنسان إلا أن يكون متدينًا بدين معين، يدفعه إلى ذلك فطرته. (اليوسف، ۱۴۲۱، ۱۳)

از مهمترین غریزه‌هایی که خداوند در انسان به ودیعت نهاده است غریزه‌ی دینی است لذا هیچ انسانی نیست مگر اینکه متدين به دینی خاص باشد، که امری فطری می‌باشد. "

با این وجود واژه‌ی دین، استفاده و کاربردهای مختلف و همانندی دارد و رایج‌ترین آن، اصطلاحی است که از سیدین قطب و آیت الله جوادی ارائه گردید.

به هر حال، منظور از دین، دین الهی است. یعنی دینی که خداوند آن را وضع کرده و صاحبان اندیشه را به سمت سعادت در دنیا و نیز عاقبت به خیری در آخرت سوق و هدایت می‌کند و شامل اعمال و عقاید می‌شود.

۲-۱- تربیت

تربیت واژه‌ای عربی از ریشه ربو بر وزن تفعیله یکی از اوزان باب تفعیل است. که در این ریشه معنای زیادت و فزونی و افزودن و رشد و نمو کردن اخذ شده و در مشتقات مختلف آن نیز می‌توان این معنا را به نوعی باز یافت.

ابن منظور می‌آورد تربیت برگرفته شده از فعل (ربو) به معنای زیادت است ربالشئی: ای زاد و نما. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ۵، ۱۲۶)

در تعریف واژه تربیت با توجه به ریشه واژه، یکی از محققان گوید: آن به معنای فراهم‌آوردن موجبات فزونی و پرورش است. (باقری، ۱۳۸۴، ۵۱-۵۲)

و نیز شهید مطهری می‌فرماید: تربیت عبارت است از به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که در شئی هست. (مطهری، ۱۳۷۳، ۳۳)

در قرآن کریم از خود ماده و ریشه تربیت به کار رفته است. خداوند در سوره حج می‌فرماید: "وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أُنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ (حج/۵)"؛ یعنی زمین را خشک و بی-حاصل می‌بینی پس باران را فرو می‌فرستیم تکانی می‌خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می-شود" که ربّت در اینجا به معنای رشد و نمو به کار رفته است.

در نتیجه تربیت، به فراهم‌آوردن مقدمات مورد نیاز برای به فعلیت درآوردن استعدادها و قوای درونی نهفته در فرد گفته می‌شود.

دکتر غلامحسین شکوهی در تعریف تربیت چنین می‌نویسد: تربیت عمل عمده فردی رشید است که می‌خواهد رشد را در فردی که فاقد ولی قابل آن است تسهیل کند. تربیت سرپرستی جریان رشد، یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم‌ساختن شرایط مساعد برای رشد است (شکوهی، ۱۳۶۷، ۶)

بنابراین، فرآیند تربیت، فرآیندی است که در آن استعدادها و توانایی‌های درونی یک فرد شکوفا شده و بدین ترتیب زمینه‌های پرورش استعدادهای وی فراهم می‌شود.

هم چنین گفته شده: تربیت یعنی برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آن که باید با کوشش و مساعی خود متربی نیز توأم گردد، تا به منتهای کمال نسبی خود به میزان طاقت و توانایی نائل شود. این استعدادها و قوای مختلف و کیفیت کاربرد آن‌ها در سایه اعمال منظم و سازمان یافته‌ی متربی تحت نظارت مرتبی، شکوفایی و رشد خود را آغاز می‌کند. انسان با عوامل و انگیزه‌هایی در زندگانی احاطه شده است که نشاط و جنبش او را تحریک نموده و استعدادها و قوای او را بیدار می‌سازد. (حجتی، ۱۳۵۸، ۱۰)

بنابراین از مجموع مطالب یاد شده می‌توان گفت: تربیت عبارت است از فراهم‌آوردن زمینه و بسترهای مناسب برای شکوفایی و فعال شدن استعدادهای یک فرد در جهت رسیدن به تکامل.

۱-۳- مفهوم تربیت دینی

با توجه به تعریفی که از دین و تربیت ارائه شد، تربیت دینی را می‌توان مجموعه‌ای از افعال و رفتارهای منظم و هدفمند برای آموزش تعلیمات صحیح موجود در یک دین به انسانها دانست. بهطوری که این انسانها معتقد و پایبند به این تعلیمات گردند.

محمد صادق موسوی در مجله معرفت تربیت دینی را این چنین تعریف می‌کند: تربیت دینی عبارتست از بیان مبانی، تبیین اصول و ترویج احکام یک دین خاص. (موسوی، ۱۳۷۸، ۱۹)

تعریفی دیگر از تربیت دینی فراهم آوردن بستری مناسب برای هر چه بهتر شکوفا شدن استعدادهای فرد از درون درجهت بعد دوم دین، یعنی بعد اعتقادی و گرایشی آن است. (زارعان، ۱۳۸۱، ۱۳)

و نیز از تعاریف دیگری که در این زمینه آمده است عبارت است از اینکه: در تربیت دینی عناصر اصلی تدين در بستر ارتباط تربیتی و با تامین مولفه‌های تربیت شکل بگیرد. که اقتضای این سخن آن است که تربیت دینی از مولفه‌های اساسی زیر برخوردار شود. عقلانیت در عرصه های مختلف اعتقادات، تقوای حضور در برابر تقوای پرهیز و ارزیابی همراه با گزینش و طرد. (باقری، ۱۳۸۴، ۸۱) یکی از آیاتی که در این زمینه در قرآن وجود دارد آیه‌ی ۳۰ روم است. خداوند در آن به حضرت محمد(ص) می‌فرماید: "فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ" (روم/۳۰)؛ پس تو (ای رسول) مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریقه‌ی دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد این است آیین استوار حق" که آیه نشانگر فطری بودن فرآیند پرورش اموری چون خدا و محبت و عشق به او در نهاد هر انسانی است.

بنابراین، در عبارتی دیگر تربیت دینی را می‌توان پرورش استعدادهای فطری توحیدی و ظهور آن در رفتارها و اعمال عبادی و معنوی فرد دانست.

۱-۳-۱- ضرورت تربیت دینی

در تبیین ضرورت بحث تربیت دینی لازم است بیان شود با وجود قوه و نیرویی به نام عقل در انسان، که در نتیجه آن توانسته جوابگوی تمامی مشکلات و مجھولات باشد و نیز تحولات و ترقیات علمی وی و دستاوردهای دانشمندان پیرامون علوم انسانی به خصوص تربیت، دیگر چه نیازی به دین وجود دارد؟ علاوه بر این، آیا دین وظیفه دارد به این اموری که عقل انسان توانایی درک آنها را دارد بپردازد؟

تأمل در این مسائل انسان را به این نتایج رهنمون می‌سازد که:

۱. با وجود اینکه انسان با کمک عقل و خرد خویش توانسته فهم عمیق‌تر و بهتری از فطرت خویش و دنیایی که در آن زندگی می‌کند پیدا کند، هنوز نتوانست و نمی‌تواند به فهم و درک همه آنچه که نیاز دارد برسد.

ولفگانگ یکی از دانشمندان بزرگ آلمانی در این زمینه می‌نویسد: نگاهی به سیر تاریخ علوم، نشان می‌دهد که تمام پیشرفت‌ها با یک درک عمیق از مشکلات مختلفی همراه بوده است و هرقرنی که می‌گذرد علم و دانش جهان را پیچیده‌تر و معماهی‌تر می‌کند... . معماهی حیات و پیچیدگی آن نشان می‌دهد که بین دقت و حساسیت پرسش‌های علمی و امکان دریافت پاسخ‌های قانع‌کننده و رضایت بخش، نسبت معکوس وجود دارد. (ولفگانگ، ۱۳۷۱، ۱۴۳)

۲. ثانیاً عقل به دو نوع عملی و نظری تقسیم می‌شود که باید بین این دو فرق گذاشت، عقل عملی آن است که انسان را به سمت انجام اعمال و افعال نیک و احتراز و دوری از پلیدیها و زشتیها سوق می‌دهد، اما باید دانست که این عقل، از احساسات درونی فرد نشات می‌گیرد.

علامه طباطبایی در المیزان چنین می‌نگارد: آن عقل که آدمی را به حق و فضیلت دعوت می‌کند، عقل عملی است که به نیکی و زشتی حکم می‌کند، نه عقل نظری که حقایق اشیاء را درک می‌کند. عقل عملی، مقدمات حکم خود را از احساسات درونی دریافت می‌کند و احساساتی که در نخستین مراحل زندگی برای انسان شکل می‌گیرد قوای شهوی و غضبی است، اما قدرت نطق و تعقل و ادراک، توان نهفته است که خروج آن از مرحله استعداد صرف به مرحله فعلیت صحیح، نیازمند تربیت است. بدین جهت هرگاه فرد یا جامعه‌ای تربیت درست را از دست بدهد به سرعت راه وحشی‌گری را در پیش می‌گیرد، با اینکه عقل و فطرت در نهاد آنان به صورت استعداد وجود داشته است. لذا انسان هرگز بی نیاز از امدادها و هدایت‌های وحی نیست و این کمک‌های وحی است که عقل را یاری می‌دهد و کمال می‌بخشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲، ۲۲)

۳. ثالثاً، درک این مسئله، برای دین دارای اهمیت فزون‌تری است، چرا که عقل انسان هر اندازه که رشد کند باز هم نمی‌تواند تمام جنبه‌های زندگی را مطالعه و درک کند. زیرا بر اساس تعلیمات پیامبران الهی، زندگی انسان‌ها محدود و منحصر به این دنیا نیست و انسان در دنیایی دیگر نیز به زندگی جاودانی خود ادامه خواهد داد.

آیت الله مصباح چنین می‌فرماید: اگر انسان تنها زندگی دنیا را داشت، کمتر نیازمند وحی بود، چون کار در دنیا و نتیجه آنرا می‌توانست تجربه نماید و علم به مفسده یا مصلحت آن پیدا کند... آنچه که ما راهی برای شناخت آن نداریم مصالح اخروی است یعنی راهی نداریم که ببینیم اگر در دنیا کار را انجام دهیم چه سعادت یا شقاوتی در آخرت به بار می‌آورد. (مصطفی، ۱۳۷۹، ۵۴)

بدین ترتیب، تربیت دینی، یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان‌ها بوده و هست. چرا که عقل انسانی هر چقدر هم توانا باشد باز هم نواقصی دارد که تنها وحی می‌تواند این نواقص را برطرف نماید.

۱-۳-۲- زمان تربیت دینی

زمان و آغاز تربیت دینی، نقش مهم و ویژه‌ای در تربیت جوان دارد. انسان در دوره‌ی جوانی به دلیل پاکی و صفائ روح که خداوند در نهاد وی به ودیعت نهاد دارای قلبی سرشار از صفا و خلوص و پاکی است که زمینه را برای تربیت دینی او فراهم می‌آورد.

حضرت علی (ع) در نامه‌ی ۳۱ در نهج البلاغه طی وصیتی به امام حسن(ع) چنین می‌فرماید: و تو را پاره تن ، بلکه تمام جان خود یافتم آنگونه که اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده است پس نامه‌ای برای تو نوشتم تا راهنمایی برای تو باشد... ای پسرم از آنجا که مشاهده نمودم تو به سنی

رسیده‌ای،... اقدام به وصیت برای تو نمودم پیش از آنکه خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش و اطاعت مشکل گردد زیرا قلب نوجوان چونان زمین کاشت نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاسیده شود پس در تربیت تو شتاب کردم بیش از آنکه دل تو سخت شود، و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد). (دشتی، ۱۳۸۲، ۳۷۱-۳۷۳)

بنابراین از نظر حضرت علی(ع) مناسب‌ترین زمان برای تربیت جوان، دوران جوانی و نوجوانی است چرا که قلب همانند لوح سفیدی است که هیچ کدورتی ندارد. و حضرت(ع) در ادامه تربیت را از تربیت دینی شروع می‌کند. (پس در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم و به چیزی دیگری نپردازم) (همان)

۱-۴- جوان و جوانی

در پاسخ به سوال جوان کیست و جوانی چه دوره‌ای است؟ بین صاحب نظران هیچ‌گونه اتفاق نظری وجود ندارد و هر یک از اندیشمندان پاسخ‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند. در زبان عربی واژه‌های متنوعی در بردارنده‌ی معنای جوان می‌باشند از جمله: فتی، الحدث، الاشد و شباب، که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱-۱- فتی

در قاموس قرآن در تعریف فتی آمده: فتی کسی است که هنگام فراخ دستی و نیز تنگدستی اهل وجود و کرم باشد، از شخصی سوال شد فتوت به چه معناست؟ در پاسخ گفت: اگر دارایی کسی کاسته شود ولی در فتوت او خللی ایجاد نشود؟ (قرشی، ۱۳۷۱، ۱۵۱).

فتی همراه با مشتقاش ۱۰ بار در قرآن آمده است که در مورد افراد زیر به کار رفته است: جوانی حضرت ابراهیم، اصحاب کهف، جوانی حضرت یوشع و وصی او، دوست و جوانمردان موسی(ع)، کنیزان و دختر جوان سال حضرت یوسف و دو جوانی که در زندان هم سلوی او بودند. لغت نامه دهخدا فتی را به جوان نورسیده تعریف کرده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۰، ۱۴۹۷۲).

۱-۲- شباب

در معجم المقايس‌اللغه در مورد لغت الشیاب چنین آمده است: ریشه الشیاب (شب) است که دلالت بر نمو، رشد و شکوفایی چیزی همراه با قوت و برخورداری از حرارت دارد: (احمد بن فارس، ۱۴۲۲، ۵۰).

البته این کلمه و مشتقات آن در هیچ‌کدام از آیات قرآن نیامده است.

۱-۳- الاشد

منظور از اشد که ریشه‌ی آن شدد است به معنای نیروی جوانی، نیرومندی و استحکام است. صاحب قاموس قرآن معنای اشد را رسیدن به رشد و تعقل و استحکام جوانی می‌داند. (قرشی، ۱۳۷۱، ۴، ۱۱)

۱-۴-۴- الحدث

به معنای نو و تازه است که به جهت تازگی و شادابی دوران جوانی تعبیر حدث را در مورد آن به کار می‌برند.

راغب در معنای لغوی الحدث می‌گوید: ریشه‌ی آن به معنای به وجود آمدن چیزی است که موجود نبوده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۱، ۲۲۲) برگردان واژه جوان در زبان انگلیسی واژه youth است.

برای جوان انواع تعاریف ارائه شده: دهخدا جوان را برنا در مقابل پیر معنا کرده یعنی هر چیزی که از عمر آن چندان نگذشته باشد. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۵، ۶۹۳۰).

شهید مطهری جوان را به دو شیوه و در دو طبقه تعریف کرده، نخست: طبقه‌ای که دارای سن خاص و حالات روحی و روانی، احساسات و نیازهای مخصوص است.

دوم: طبقه‌ای که بخاطر تحصیلات و آشنایی با اندیشه‌های جدید، دارای اندیشه نو و سوالات تازه است و حاضر نیست مانند بسیاری از افراد نسل گذشته بدون عقل و منطق، همه چیز را بپذیرد، او می‌خواهد در سرنوشت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود شریک باشد، و از حقوق فردی و اجتماعی خود دفاع کند. (دزاکام، ۱۳۷۷، ۱۰۳)

بنابراین جوان، کسی است که در سنین پویایی، نشاط و شکفتگی و شکوفایی قرار دارد و همراه با قدرت جسمی و رشد عقلی است.

۳- ارزش و اهمیت جوان

بدون تردید، جوانان یکی از سرمایه‌های ارزشمند در جامعه بشری می‌باشند، ثروت‌هایی گرانقدر که در طول تاریخ بشر همواره برای جامعه‌ی بشر مفید و ارزنده بوده‌اند.

حضرت علی(ع) در مورد ارزش جوان می‌فرماید: " وانما قلب الحدث كالارض فى الحاله ماالقى فيها من شئ قبلته، (دشتی، ۱۳۸۲، ۳۷۲-۳۷۳) همانا قلب جوان مثل زمین خالی از کشت است آن چه در آن ریخته شود قبول خواهد کرد.

جوان در سنینی است که در آن نقش‌های مختلف اجتماعی را می‌پذیرد و این فرصت به او دست می‌دهد که تصمیمات مهمی بگیرد و انجام دادن این تصمیمات می‌تواند در سعادت یا شقاوت او موثر باشد.

جوانان نیروهایی فضیلت‌خواه و حقیقت‌جو و دارای قلب‌هایی پاک‌اند، هر جوان خصوصاً در اوایل جوانی، هنوز معصومیت کودکی و سادگی و خوش‌دلی دوران قبل از جوانی را با خود دارد و این همان ویژگی خطرناکی است که مایه‌ی سردرگمی و انحرافات اساسی در زندگی آینده‌ی جوان می‌گردد.

انحراف جوانان، انحراف قشر عظیمی از جامعه است که سیر رشد جامعه را متوقف می‌گرداند و یا به سیر نزولی و ایجاد آینه‌ی تاریخ، بارها نشان داده که چگونه فساد جوانان، موجب هلاکت مجموع جامعه گشته است. سرگذشت قوم لوط، نمونه‌ی کهن در این باره است. (خادمی کوشان، ۱۳۸۲، ۲۳).

۴- اهمیت دوران جوانی

دوران جوانی، یکی از مراحل حساس و مهم در زندگی هر فردی و دوران نشاط، شادابی، فعالیت و کار و کوشش می‌باشد. در این دوران بر خلاف دوران کودکی و نوجوان که انسان تحت تاثیر خانواده خود بوده و نقش مهمی نداشته است، فرصت مناسبی به وجود می‌آید که ابراز وجود کند و در عرصه‌های مختلف زندگی نقش‌های متفاوتی بپذیرد، و اگر در هر یک از این نقش‌ها، موفق باشد سعادت و خوشبختی او تضمین شده است.

پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره‌ی اهمیت دوران جوانی چنین می‌فرماید: " فلیأخذ العبد المومن فی نفسه لنفسه و من دنیاه لآخریه و فی الشیاب قبل الکسر و فی الحیات قبل الممات؛ (مجلسی، ۳۳۶، ۱۴۰۳). پس باید بگیرد بنده مومن در خودش برای خودش و از دنیايش برای آخرتش و در جوانی قبل از پیری و ناتوانی و در زندگی و حیات دنیا قبل از مرگ. "

دوران جوانی فرصتی است که دارای ارزش و اعتبار فراوانی است و مغتنم شمردن این فرصت بسیار مهم می‌باشد، زیرا در این دوره انسان دارای توانایی بسیار بالایی است و اگر امکانات لازم برای رشد و تعالی او فراهم باشد، انسان می‌تواند به سعادت و خوشبختی کامل دست یابد.

جوانی یک دوره با اهمیت و در عین حال پر خطر است، زیرا (قدرت و قوت) که وجه غالب و بارز دروهی جوانی است و در قرآن کریم نیز بدان تصریح شده، بر حسب این‌که در جهت کدام دسته از استعدادها و گرایش‌ها سمت و سواده شود، جلوه مثبت یا منفی می‌یابد و می‌تواند سازنده یا مخرب شخصیت انسان باشد. این قدرت، تنها در این دوره از عمر انسان در اوج خود قرار دارد و از این رو، باید اهتمام فراوانی نسبت به آن مبذول داشت. (حاجی ده آبادی و حسینی زاده، ۱۴۰۳، ۱۵، ۱۷)

۴- ویژگی‌های مهم دوران جوانی

دوران جوانی، یکی از دوران مهم در زندگی هر انسانی است. با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی " اللَّهُ الَّذِي حَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً" (روم:۵۴) خدا آن کس است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف بیافرید، آن گاه پس از ضعف و ناتوانی توانا کرد و باز از توانایی به ضعف و سستی پیری برگردانید. "دوران زندگی انسان به سه دوره کودکی، جوانی و پیری تقسیم می‌شود که هر یک از این دوران، دارای ویژگی‌های خاص خود است. دوران جوانی نیز از این قاعده مستثنی نیست و دارای ویژگی‌های مهم و حیاتی است که این ویژگی‌ها نقش مهمی را در طول حیات انسان تا مرگ برعهده دارند. مهمترین ویژگی‌های جوان در دوران جوانی را می‌توان به موارد زیر اشاره کرد، که هر یک از این‌های اختصار شرح داده می‌شود.